

تاریخچه سرود ملی در ایران

سرود " ای ایران" یا سرود ملی غیر رسمی ایران دقیقا در ۲۷ مهر ماه ۱۳۳۳ در تالار دبستان نظامی (دانشکده افسری فعلی) و در حضور جمعی از چهره های فعال در موسیقی ایران متولد شد. شعر این سرود را "دکتر حسین گل گلاب" استاد دانشگاه تهران سروده بود و از ویژگیهای آن اول این است که تک تک واژه های به کار رفته در این سروده فارسی است و در هیچ یک از ابیات آن کلمه عربی یا غیر فارسی وجود ندارد . سراسر هر سه بند سرود سرشار از واژه های خوش تراش فارسی است ، زبان پاکیزه ای که هیچ واژه ی بیگانه در آن راه پیدا نکرده است.و با این همه هیچ وتژه ای نیز در آن مهجور و ناشناخته نیست و دریافت متن را دشوار نمی سازد.

دومین ویژگی سرود ای ایران در بافت و ساختار شعر آن است به گونه ای که تمامی گروه های سنی ، از کودک تا بزرگسال می توانند آن را اجرا کنند. همین ویژگی سبب شده تا این سرود در تمامی مراکز آموزشی و حتی کودکانها قابلیت اجرا داشته باشد.

و بالاخره سومین سومین ویژگی ای که برای این سرود قائل شده اند ، فراگیری این سرود به لحاظ امکانات اجرایی است که به هر گروه یا فرد امکان می دهد تا بدون ساز و آلات و ادوات موسیقی نیز بتوان آن را اجرا کنند.

آهنگ این سرود که در آواز دشتی خلق شده ، از ساخته های استاد "روح اله خالقی" است . ملودی اصلی و پایه ای کار از برخی نغمه های موسیقی بختیاری که از فضایی حماسی برخوردار است ، گرفته شده.

این سرود در اجرای نخست خود به صورت کر خوانده شده ، اما ساختار محکم شعر و موسیقی آن سبب شد تا در دهه های بعد خوانندگان مطرحی مانند "غلامحسین بنان" و نیز "اسفندیار قره باغی" آن را به صورت تک خوانی هم اجرا کنند.

در سالهای پس از انقلاب ، این سرود برای مدت کوتاهی به عنوان "سرود ملی" از رادیو و تلویزیون ایران پخش می شد، اما با سیطره گرایشهای ضد ملی گرایی، این سرود هم چند سالی از رسانه های داخلی حذف شدتا در دهه اخیر که باز در مناسبت های مختلف تاریخی ، آن را می شنویم.

قبل از پرداختن به سابقه و تاریخچه اولین « سرود ملی » در ایران شاید بد نباشد اشاره های کنیم به آنچه که در زمان « ناصرالدین شاه » به عنوان « سلام شاهی » اجرا می شده و آن قطعه موسیقی بدون کلامی بوده که به سفارش پادشاه اسلام پناه ، توسط ژنرال نظامی موسیو « لومر » فرانسوی ، مدیر « شعبه موزیک » ، در « مدرسه دارالفنون » ساخته شده بود .این قطعه موسیقی که در همان زمان روی صفحه گرامافون هم ضبط شد را در مراسم رسمی و سلام شاهنشاهی می نواختند. پنجاه سالی بعد در زمان حکومت « رضا شاه » چیزی شبیه به همین « سلام شاهی » دوران قاجاریه را به نام « سرود ملی » ، و بعد از او در دوره سلطنت پسرش « محمدرضا شاه » ، آن را « سرود شاهنشاهی » نام گذاری کردند .

اما تاریخچه اولین « سرود شاهنشاهی » در ایران ، به نوعی با سابقه فعالیت و تاریخچه تشکیل « انجمن های ادبی » در آن کشور ، مربوط است. تشکیل انجمن های ادبی از اوایل مشروطیت متداول شد . در آن زمان « وثوق الدوله » که علاقه زیادی به شعر و ادبیات فارسی داشت ، جلساتی برای موضوعات ادبی تشکیل داده بود. این انجمن ها در اوایل حکومت رضا شاه رونق گرفت و در حدود هفده

انجمن ادبی در تهران تشکیل می شد. از جمله انجمن ادبی « حکیم نظامی » در منزل « وحید دستگردی » در روزهای چهارشنبه در خیابان عین الدوله [ایران] ، « انجمن دانشوران » در روزهای شنبه در منزل « شاهزاده سیف اله میرزا » در منیریه و انجمن ادبی « شیخ الرئیس » در شبهای جمعه [« شیخ الرئیس » که نام اصلی او « شاهزاده محمد هاشم میرزا افسر » بود . قبلا در خراسان معلم « عبدالحسین تیمورتاش » بود که بعدا به سمت نماینده مجلس انتخاب شد و به تهران آمد و این انجمن را تشکیل داد]. « ملک الشعرا ی بهار » ، « رشید یاسمی » ، « عباس اقبال آشتیانی » ، « سعید نفیسی » و « تیمور تاش » هم هر هفته به اتفاق انجمنی داشتند به نام « انجمن دانشکده » که مطالب مورد بحث در آن انجمن ، نخست ادبی بود و کمی بعد تر مباحث سیاسی شد. باری مهمترین انجمن آن روزها « انجمن ادبی ایران » بود که « وحید دستگردی » ، « شاهزاده افسر » ، « ادیب السلطنه سمیعی » ، « حاج میرزا یحیی دولت آبادی » ، « صادق سرمد » ، « محمدحسین شهریار » ، « پارسا توپسرکانی » ، « پروین اعتصامی » و « پژمان بختیاری » تشکیل داده بودند. دکتر « رضا نیازمند » در مطالبی با عنوان [انجمن ادبی « ایران » و ماجرای آفرینش سرود شاهنشاهی] منتشر شده و در فصلنامه « ره آورد » که به سر دبیری « حسن شهباز » در آمریکا به چاپ می رسد ، می نویسد:

« . . . در این موقع رضا شاه تصمیم گرفت به مسافرت ترکیه برود . به او اطلاع دادند که در آنجا برای او « سرود ملی » خواهند نواخت . چون ایران سرود ملی نداشت ، رضا شاه دستور داد که به « انجمن ادبی ایران » تکلیف کنند سرود ملی تهیه شود. موضوع در انجمن مطرح شد ، ولی اعضا نمی دانستند که چگونه سرود ملی تهیه نمایند . ابتدا تصمیم گرفتند که به سرود های سایر ممالک گوش دهند تا معاوم شود اصولا سرود ملی چیست ، متضمن چه مطالبی است . سپس شعرهایی بسرایند و با آهنگ بیامیزند. قرار شد آقای « مین باشیان » در انجمن حضور یابند و در این مورد راهنمایی کنند. آقای « مین باشیان » [غلامرضا خان سالار معزز] در مدرسه موزیک که شعبه ای از دارالفنون بود ، تحت نظر موسیو لومر فرنسوی ، تحصیل موسیقی کرده بود و سپس معام موسیقی و بعد ها ریاست کل موزیک نظام را به عهده داشت.

در جلسه انجمن قرار شد « شاهزاده محمد هاشم میرزا افسر » و « مین باشیان » با هم سروده را بسازند . بدین ترتیب که شعر آن را « شاهزاده افسر » تهیه کند و آهنگ را « مین باشیان » و به زودی سرود شاهنشاهی آماده شد و به دربار تقدیم گردید که به نظر رضا شاه برسد. شاه پس از شنیدن شعر و آهنگ ، دو جای آن را اصلاح کرد !! یکی اینکه گفته شده بود : « از اجنبی جان می ستانیم » که رضا شاه گفت : « از دشمنان جان می ستانیم » و دیگری کلمه « شهنشه » بود که گفته شده بود : « شهنشه ما زنده بادا » که رضا شاه به « شاهنشاه ما زنده بادا » تغییر داد و بدین طریق سرود ملی ایران تهیه گردید. (فصلنامه ره آورد ، شماره ۳۴ ، صفحه ۲۴۱- ۲۴۰)

بعد از انتشار مطالب آقای « رضا نیازمند » ، یادداشت دیگری به قلم « دکتر بابک رضایی » از لندن به نقل از « دکتر جلال گنجی » در باره سابقه اجرای سرود ملی و خاطره او از این مراسم ، به دفتر « فصلنامه ره آورد » می رسد که در شماره بعدی با شرح زیر به چاپ رسیده است.

[داستانی که در زیر نقل می گردد مربوط به دانشجویان ایرانی است که در دوران سلطنت « احمد قاجار » برای تحصیلات به آلمان رفته بودند و آقای « دکتر جلال گنجی » فرزند مرحوم « سالار معتمد گنجی نیشابوری » برای نگارنده نقل کرد :

((ما هشت دانشجوی ایرانی بودیم در آلمان که در عهد احمد شاه تحصیل می کردیم . روزی رئیس دانشگاه به ما اعلام نمود که همه دانشجویان خارجی باید از مقابل امپراطور آلمان رژه بروند و سرود

ملی کشور خودشان را بخوانند . ما بهانه آوردیم که عده مان کم است . گفت : اهمیت ندارد ، از برخی از کشور ها فقط یک دانشجو در اینجا تحصیل می کند و همان یک نفر پرچم کشور خود را حمل خواهد کردو سرود ملی خود را خواهد خواند . چاره ای نداشتیم . همه ایرانی ها دور هم جمع شدیم و گفتیم ما که سرود ملی نداریم، و پس چه باید کرد؟ وقت هم نیست که از نیشابور و پدرمان بپرسیم به راستی غذا گرفته بودیم که مشکلمان را چگونه حل کنیم . یکی از دوستان گفت اینها که فارسی نمی دانند . چه طور است شعر و آهنگی را سر هم بکنیم و بخوانیم و بگوییم همین سرود ملی ماست. کسی نیست که سرود ملی ما را بداند و اعتراض کند. اشعار مختلفی را که از سعدی و حافظ می دانستیم با هم تبادل کردیم . اما این شعر ها آهنگین نبود و نمی شد به صورت سرود خواند. بالاخره من (دکتر گنجی) گفتم بچه ها عمو سبزی فروش را بلدید؟ گفتند بله . گفتم هم آهنگین است هم ساده و کوتاه . بچه ها گفتند آخه عمو سبزی فروش که سرود نمی شود . گفتم بچه ها گوش کنید و خودم با صدای بلند و خیلی جدی شروع به خواندن کردم: « عمو سبزی فروش . . . بله. سبزی کم فروش . . . بله . سبزی خوب داری ؟ . . . بله » فریاد شادی از بچه ها برخاست و شروع به تمرین نمودیم . بیشتر تکیه شعر روی کلمه « بله » بود که همه با صدای بم و زیر می خواندیم . همه شعر را می دانستیم. با توافق همدیگر سرود ملی به این صورت تدوین شد:

عمو سبزی فروش ! . . . بله .
 سبزی کم فروش ! . . . بله .
 سبزی خوب داری؟ . . . بله .
 خیلی خوب داری؟ . . . بله .
 عمو سبزی فروش ! . . . بله .
 سیب کالک داری ؟ . . . بله .
 زالزالک داری ؟ . . . بله .
 سبزی باریکه ؟ . . . بله .
 شیوات تاریکه ؟ . . . بله .
 عمو سبزی فروش ! . . . بله .

این را چند بار تمرین کردیم . روز رژه ، با یونیفرم یک شکل و یک رنگ از مقابل امپراطور آلمان ، « عمو سبزی فروش » خوانان رژه رفتیم . پشت سر ما دانشجویان ایرلندی در حرکت بودند از « بله » گفتن ما به هیجان آمدند و « بله » را با ما همصدا شدند به طوری که صدای « بله » در استادیوم طنین انداز شد و امپراطور هم به ما ابراز تفقد فرمودند و داستان به خیر گذشت.]

پانویس های مربوط به سرود ملی:

« حسینعلی ملاح » استاد و از بزرگان موسیقی ایران در بخشی از خاطرات خود ، با عنوان « سرود ملی ایران و چگونگی ابداع آن » ، درباره چگونگی ساختن سرود ملی که به دستور رضا شاه انجام شد می نویسد:

[هنگام ساختن این سرود ، ستوان « نجمی » با ساز قره نی (کلارینت) آهنگ را می نواخت و شعر آن ساخته می شد ، اشهار این شود در سه قسمت (سه بند یا پاره) است . نخست سرود شاهنشاهی است که مرحوم « شیخ الرئیس افسر » ساخته . قسمت دوم آن « سرود پرچم » بوده

که سراینده آن « پارسا توپسرکانی » است و قسمت سوم آن « سرود ملی » است که گوینده این قسمت نیز « شیخ الرئیس افسر » است.

دو ماهی بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ ، « روزنامه اطلاعات » به تاریخ ۱۳ آبان ماه ۱۳۲۰ نامه ای از یکی از خوانندگان خود به نام « جهانگیر افخمی » را به چاپ رساند . ایشان در نامه کوتاه خود خواستار سرود ملی شده و می نویسد :

« همه می دانیم که سرود ملی برای هر ملت زنده لازم است تا به وسیله آن ، احساسات ملت تحریک و تهییج شود . بنده مدتی است که راجع به سرود ملی با عده زیادی صحبت کرده ام و همه را با خود هم عقیده دیدم . از این جهت من به نام عده ای بی شمار که شاید تمامی اهالی کشور باشند از ریاست « اداره موسیقی کشور » خواستارم که برای ما سرود ملی بسازند. با اطلاعات کافی که آقای « علینقی وزیر » در این فن دارند ، با کمال بی صبری انتظار اعلام سرود ملی را در برنامه رادیو تهران داریم.»

این پیشنهاد در حقیقت به معنی اعتراض به سرود شاهنشاهی بود اما از آنجا که سیاست متفقین این بود که هیچ چیزی تغییر نکند ، سرود شاهنشاهی هم به عنوان سرود ملی تا سقوط سلسله ی پهلوی باقی ماند. لیکن سرود ای ایران در مدارس جزو درس موسیقی بود و توسط دانش آموزان خوانده می شد.

رادیو نیز از آن در برنامه های خود استفاده می کرد، ولی سرود رسمی همان سرود شاهنشاهی بود که عصر پهلوی را « صد ره بهتر از عهد باستان » توصیف می کرد. « جهانگیر افخمی » بعدها نماینده روزنامه اطلاعات در نیویورک شد .

پانویس های مربوط به سرود شاهنشاهی :

در دهه های آخر از حکومت سابق ، اجرای سرود شاهنشاهی امری معمول بود که در مناسبتهای مختلف انجام می شد. جا افتاده ترین آنها ، پخش این سرود در شروع و پایان برنامه های روزانه رادیو و تلویزیون آن زمان و نابه جا ترینشان ، پخش آن در شروع هر سانس فیلم در سینما های ایران بود . امری که بنا به دستور به استثنای زنانی که در دو ماه آخر بارداری خود بودند ، همه از پیر و جوان ، مرد و زن ، از خرد و کلان باید که از صدلی های خود برخاسته و به حالت « ایست - خبردار » تا پایان سرود می ایستادند. [در تبصره آن بخشنامه آمده بود ، سربازان و افراد نظامی که با لباس و کلاه در سالن نمایش فیلم حضور دارند ، در زمان نواختن سرود شاهنشاهی ، موظف به اجرای سلام نظامی (اشاره با انگشتان دست راست بر بالای شقیقه) هستند] .

در کتابی که با عنوان « مظفر بقایی به روایت اسناد ساواک » منتشر شده ، سندی از « گزارش اطلاعات داخلی » به شماره ۶۲-د ۱ و تاریخ ۱۳۲۷/۱۱/۲۹ به چاپ رسیده که در قسمتی از آن ، خبر چین ساواک گزارش می دهد:

[... « هاشمی یزدی » به « سرهنگ رحیمی » اظهار داشت : شما حالا با این دستگاه مخالف هستید؟ « سرهنگ رحیمی » اظهار داشت : صد در صد با این دستگاه امروز مملکت مخالفم و هر وقت هم به سینما می روم اینقدر در بیرون سالن منتظر می مانم تا سرود شاهنشاهی تمام شود و مجبور نشوم در سالن جلوی عکس قبله عالم بلند شوم و بغض من به این دستگاه ظالم پرور به قدری زیاد است که تا کار خود را انجام ندهم ، راحت نمی شوم . . . »

از دیگر خاطراتی که مربوط به اجرای سرود شاهنشاهی در سینما ها می شود خاطره ای است از « صادق هدایت » نویسنده معاصر ، به این شرح که : شبی همراه با چند تن از دوستانش به سینما

می رود . نواختن سرود شاهنشاهی که شروع می شود همه برپا می شوند ولی او نه . همانطور که
برجای خود نشسته پاسبان ناظر در سالن سینما به سروقتش می آید که مگر نمی شنوی سرود
شاهنشاهی می زند؟ او هم با بی حوصلگی جواب می دهد : نه سرکار من گوش موسیقی ندارم.

منبع : بر گرفته از سایت پرند و فصلنامه ره آورد
چاپ مجدد در نشریه ایرانیان مقیم دالاس و حومه (ایالات متحده امریکا)



سایت فرهنگی و هنری شهرآشوب ، پشتیبان فرهنگ و موسیقی ایرانی